

نگاهی به پیشینه و وضعیت:

تعاونی‌های پس انداز و اعتبار در آسیای جنوب شرقی

• ترجمه مهدی غلامی

مقدمه

به طور کلی تشکیل شرکتهای تعاونی در بیشتر کشورهای آسیایی در قالب تعاونی‌های اعتباری، به عنوان ابزاری جهت مقابله با بدهی‌ها و دیون گسترده توده مردم (اغلب کشاورزان) آغاز گردید. با آغاز قرن گذشته کشاورزی روستایی بیشتر در سطح گذران زندگی بود و به سختی بازده اضافی ایجاد می‌کرد. فقدان الگوهای روشن و مشخص برای مزارع، عدم امنیت مدت اجاره داری، عدم وجود مالکیت قطعی، بازده پایین، سیاستهای وارداتی نامحدود و سرانجام قیمت‌های پایین محصولات کشاورزی، همه و همه به تداوم فقر روستایی، توسعه مالکیت‌های بزرگتر و تکاثر ثروت وام دهندگان پول با بهره غیر متعارف در مناطق روستایی و غیر روستایی کمک کرد. در این ایام بخش بانکی نیز دارای توان مالی کمی بود و نمی‌توانست نیازهای زارعان خرده پا را تأمین کند. به علاوه دولتها چه به صورت مستعمره یا غیر آن نیز مشغول کسب درآمد و یا عملیات بازرگانی بین‌المللی بودند، بنابراین هیچ گونه برنامه مؤثری برای مقابله با مشکل وسیع فقر روستایی نداشتند.

علاوه بر این منابع دیگری که کمک آنها برای سایر اقشار در دسترس بود، به طور غم انگیزی در بخش روستایی وجود نداشت و این در حالی بود که بیش از ۸۰ درصد جمعیت در آن زمان رعایا و روستائینی بودند که با وجود گستردگی فقر برنامه همکاریهای خود را توسعه بخشیدند تا برای خود و سایر طبقات جامعه نیروی کار لازم و حداقل حمایتها را

بر اساس کمکهای غیر نقدی فراهم نمایند. با وجود این چنین برنامه‌های اقتصاد کشاورزی به سختی ایجاد درآمد می‌کرد. اما این برنامه‌ها سرانجام آنها را از خط فقر بیرون کشید و آنان را برای داشتن حداقل معیشت کمک کرد. در عین حال این درآمد اضافی در موقعی که ایجاد گردید فقط به تقویت مالکان یا وام دهندگان پول و نه دهقانان کمک کردند.

به واقع، این امر مخالف با سابقه فعالیتی بود که مدیران مستعمرات آگاه‌تر امپراطوری بریتانیا در آن زمان با توجه به راه‌های تعاونی جستجو می‌کردند تا شرایط کشاورزان را بهبود بخشند. موفقیت‌های به دست آمده در اروپا از طریق روش رایفایزن به این مدیران ثابت کرد که آنها نیز آن مدل را تجربه کنند و در نتیجه شعار خودیاری‌ها بدین ترتیب اعلام شد: «رایفایزن را بیابید که به عنوان شیوه‌ای مناسب برای مقابله با بدهی‌های فزاینده دهقانان است.» با این حال تعاونی‌های اعتباری که در دو دهه نخست اول قرن بیستم به وجود آمدند با بدهی نامحدودی در بسیاری از کشورهای آسیایی روبه رو بودند، اما سرانجام با غلبه بر مشکلات خود توانستند در طول یک قرن باعث توسعه قابل ملاحظه تعاونی‌ها در بسیاری از کشورهای منطقه شوند و عملاً به تمام جنبه‌های توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی حتی در جوامع صنعتی پیچیده بعد از جنگ جهانی دوم دست یابند.

ساختار

تعاونی‌های اعتباری اولیه از نظر اندازه کوچک و از حیث تعداد اعضا بسیار

محدود بودند. این تعاونی‌ها اغلب مربوط به افراد شروتمند در روستاها می‌شدند. همچنین در این تعاونی‌ها وام‌های اعطایی محدود و اغلب کوتاه مدت بودند و اعطای اعتبارات با تضمین دو نفر ضامن پرداخت می‌شد که آنها نیز اعضای تعاونی بودند. در این ایام اعتبارات دولتی به منظور کمک به افراد فقیر در سطح محدودی توزیع می‌شد. مسئولان محلی هم بر پس انداز و هم اعتبار تأکید می‌کردند و بدین ترتیب تنها استقراض می‌توانست درصدی از پس اندازهای اعتباری باشد. در عین حال و در شرایط موصوف، به دانش شخصی اعضا تأکید زیادی می‌شد. به عنوان نمونه کمیته «مک میلان» در هند درباره اعطای اعتبارات چنین عقیده‌ای داشت: «ما در مورد اهمیت شروع کار تعاونی‌ها بر تعداد اندک اعضا تأکید می‌کنیم. تعداد اعضای تعاونی برای شروع فعالیت می‌بایستی کم باشد و افزایش تعداد اعضا نیز بایستی تدریجی باشد به گونه‌ای که تعداد اعضا در نهایت نیز کم باشد!»

بهر روی، راه حل منطقی و اصلی پیش بینی شده برای جوامع بزرگ باید مدیریت اقتصادی مناسب باشد، لیکن این امر به ندرت بر جامعه روستایی تأثیر می‌گذارد. از طرف دیگر جوامع کوچک، آسانتر مورد نظارت و پرورش از نظر اصول تعاونی قرار می‌گیرند، همان گونه که در مدارس با سخنان کوتاه تدریس آسانتر انجام می‌شود!»

بنابراین از ابتدا بر کوچک بودن ساختارها و محتوی آموزشی تأکید شد. با این وجود هنوز هم بسیاری تشکلهای

اعتبار و ایسته هستند. در بسیاری از کشورهای منطقه ساختارهای ساده تعاونی‌های اعتباری در سطح روستا تا به امروز رشد نموده و یا سازماندهی می‌شوند و یا به وسیله تعدادی از تعاونگران متعدد رشد می‌کنند و در برخی از مواقع نیز کوچکی آنها باعث شده است که بیش از اندازه مورد توجه روز افزون دولت‌ها و در کنترل قرار بگیرند.

اکنون وامها بیشتر به صورت نقدی و کوتاه مدت اعطاء می‌شوند تا نیازهایی همچون هزینه‌های، خرید مواد اولیه صنعتگران، اعطای سرمایه برای بازرگانان خرده پا و در برخی مواقع پرداخت قروض قدیمی را تحت پوشش قرار دهند. تعداد بسیار کمی از این تشکلهای با اختصاص وامهای میان مدت نیازهایی مانند تأمین زمین زراعی و خرید دام و غیره را تأمین می‌کنند.

در مورد تعاونی‌های نهادینه شده که بیشتر حقوق بگیران را شامل می‌شد، اهداف بیشتر بر محور توزیع اقلام مصرفی و بر اساس ورقه پرداخت حقوق ماهیانه کارمندان قابل انعطاف بوده است.

در عین حال بایستی اشاره نمود که با وجود رشد مستمر تعاونی‌ها در بخش اعتباری در زمینه‌هایی مانند تولید محصولات کشاورزی، بازاریابی و دیگر فعالیتهای مربوط، سهم تعاونی‌ها همچنان در عملیات اعطای وام به بخش کشاورزی قابل ملاحظه نبود. در بیشتر موقعیتهای این سهم کمتر از ۱۰ درصد می‌شد که باقیمانده آن از طرف دوستان، بستگان یا وام دهندگان نزولخوار فراهم می‌گردید.

در دوره بعد از جنگ، بسیاری از کشورها با اهمیت دادن به اختصاص اعتبارات برای افزایش بهره‌وری جهت نیل به خودکفایی و تأمین مواد غذایی تلاش بسیاری انجام دادند. برای نیل به این هدف بسیاری از دولت‌ها می‌بایستی استراتژیهای جدیدی را برای تأمین منابع مالی روستائیان و کشاورزان اجرا کنند که در محدوده تعاونی‌های کشاورزی



مثال اتحادیه تعاونی‌های اعتبار استرالیا با عضویت ۶۶۹ تعاونی و ۱/۳ میلیون عضو و سرمایه‌ای بالغ بر ۱/۷ میلیارد دلار استرالیا اعتباری و شکل گرفت و ... بهرروی، تعاونی‌های اعتباری متحد شدند تا بانک‌های تعاونی را در سطح محلی تشکیل دهند. این تعاونی‌ها وابسته به بانکهای تعاونی مرکزی در سطوح منطقه‌ای و ملی بودند.

۲- در جایی که توسعه مطابق با مورد بالا اتفاق نیفتاد وظیفه فعالیتهای اعتباری در برخی مواقع به وسیله «تعاونی‌های کشاورزی و چند منظوره» تکمیل شد. این امر بعد از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد.

فعالیت تشکلهای تعاونی اعتباری و پس انداز و براساس همان ارزشهای اولیه تداوم یافت به گونه‌ای که اکنون این تشکلهای بانکهای تعاونی یا بازرگانی برای استقراض و یا برای سرمایه‌گذاری و اخذ

اعتباری ایجاد شده که در ابعاد کوچک پی‌ریزی شده‌اند فعالیت می‌کنند و خدمات مفیدی را هم در سطح روستا انجام می‌دهند.

به طور کلی الگوی توسعه در بخش تعاونی‌های اعتباری بدین شرح بود:

۱- تعاونی‌های پس‌انداز و اعتبار با بدهی زیاد به خود اعضای آن تعاونی‌ها واگذار شدند. این برنامه به افزایش بنیادی تعداد اعضای کمک نمود و تعداد زیادی قادر به بهره‌گیری از خدمات تعاونی‌ها شدند.

۲- «تشکلهای پس‌انداز و اعتبار» در میان کارکنان به صورت نهادینه ایجاد شد به گونه‌ای که این نهادها می‌بایستی با نسبتهای کلان در برخی کشورها رشد می‌کردند. بدین ترتیب تعداد اعضای آنها به چند هزار نفر افزایش می‌یافت. در برخی از کشورها آنها اتحادیه‌هایی را تحت نام اتحادیه اعتباری تشکیل دادند. به عنوان

تعاونی‌های چند منظوره و تعاونی‌های
اعتباری کوچک روستائی بود.

توصیه‌های «کمسیون سلطنتی»
انگلستان در مورد جنبش تعاونی سیلان»
تحت ریاست دکتر لیدلا این اهمیت را نشان
می‌دهد. کمسیون سلطنتی بریتانیا اظهار
داشت: «با وجود آنچه که ممکن است در
مورد ارزشهای اجتماعی تعاونی‌های
کوچک گفته شود نمی‌توان انکار نمود که
منافع اقتصادی آنها اغلب کم و کوتاه مدت
است. بنابراین ما توصیه می‌کنیم که تعداد
تعاونی‌ها از نظر کمی تا حد زیادی کاهش
یابد و تعاونی‌های بزرگ شکل بگیرد!!

این روندی است که در تمام کشورهای
منطقه قابل ملاحظه می‌باشد جائیکه
بیشترین توجه به مفهوم تداوم فعالیت
تعاونی‌ها در تعیین ابعاد کار تعاونی
برنامه ریزی شده است.

همراه این مفهوم عقیده‌ای وجود داشت
که هر گونه سیاست اعتباری متین و
مناسب می‌تواند توسعه یابد به شرط آن که
عرضه اعتبار به صورت نقدی و جنسی با
بازاریابی و تولید مرتبط باشد و همراه با
سیستم خدمات خوب طراحی شود، به
علاوه در بخش زراعی پویا و یا در بخش
صنایع دستی کوچک باشد.

آن چه که در حال حاضر تشویق
می‌شود برنامه‌ای است که شامل اعتبار،
تمدید آن عرضه و بازار یابی تولید است. در
گذشته بسیاری از تعاونی‌های زراعی
کوچک با داشتن محدودیتهای متعدد قادر
نبودند که خدمات خود را که در حال حاضر
به وسیله تشکلهای تعاونی چند منظوره یا
کشاورزی بزرگ ارائه می‌شود، ارائه دهند.
لکن بسیاری از آنها برخی از نیازهای آنها
را تأمین می‌کنند. عامل با اهمیتی که
می‌بایستی در نظر گرفته شود این است که
با وجود حمایت وسیع از این بخش به
وسیله بانکها و دولت‌ها هنوز بخشی از
تعاونی‌های اعتباری روستائی کوچک به
دلیل گوناگون واجد شرایط کمک از طریق
برنامه‌های دولت نمی‌باشند و تنها به

وسیله تعاونی‌های روستائی مورد حمایت
قرار می‌گیرند.

در اینجا مناسب است که رشد فعالیتهای
اعتباری را در مورد یک شرکت تعاونی چند
منظوره کشاورزی بررسی کنیم. مثال
خوب در این مورد ژاپن می‌باشد که اجرای
دقیق «قانون شرکتهای تعاونی» سال ۱۹۰۰
شرطی را برای شرکتهای تعاونی اعتباری
علاوه بر بازاریابی، فرآوری و ... برقرار
نمود که تعاونی‌های اعتباری از سال ۱۹۰۶
وظایف بازاریابی را نیز عهده دار شدند. این
مؤسسات وظایف اعتباری، بازاریابی و
عرضه را هم به عهده داشتند. آنها همچنین
به طور مستقل عمل می‌کردند و ارتباط
زیادی بین وظایف آنها نبود. سیاستهای
جدید دولت ژاپن در دوره پس از جنگ منجر
به تأسیس شرکتهای تعاونی چند منظوره
گردید که تمام خدمات لازم برای زارعان را
(به وسیله نوعی روش ترکیبی ارائه
می‌گردید) در ساختارهای کنونی این
تعاونی‌ها با انجام فعالیتهای مشاوره‌ای،
بازاریابی، خرید، اعتبار، بیمه استفاده از فن
آوری‌های آموزشی و همچنین فعالیتهای
حقوقی از پژوهش برای حفظ قیمت‌ها، تعیین
مالیات، آزاد سازی تجاری و ... در خود
داشتند. تأمین اعتبارات این

تعاونی‌ها که بیش از ۱۵۰۰۰ واحد تعاونی
فرهنگی و صیادی دارای بیش از ۱ میلیون
عضو می‌باشند در یک ساختار ترکیبی
عمودی با تعاونی‌های کشاورزی و صیادی
و ۴۷ فدراسیون اعتباری در سطح اداری که
همگی در بانک نورین چورکین (بانک
مرکزی جهت سیستم‌های تعاونی ملی
کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری) فعالیت
می‌کنند صورت می‌پذیرد. نمونه رشد این
تعاونی‌ها کشور کره می‌باشد جائیکه
«فدراسیون تعاونی کشاورزی ملی به
عنوان بانک «هم در سطح داخلی و هم بین
المللی عمل می‌کند» وضعیت و موقعیت کلی
با توجه به «ساختارهای اعتباری و مالی در
کشورهای عضو اتحادیه بین المللی تعاون
در این منطقه بجز کشور هند بدین ترتیب
است: بیش از ۲۸۵۰۰ تعاونی اعتبار با بیش

از ۴۸ میلیون نفر عضو با ذخیره سرمایه
بیش از ۱۵۰ میلیون دلار آمریکا وجود دارد
(این رقم فقط مربوط به تعاونی‌های اعتباری،
اتحادیه‌های تعاونی می‌شود و شامل بخش
اعتباری در تعاونی‌های کشاورزی و چند
منظوره نمی‌گردد).

مشکلات و چشم انداز

در بسیاری از کشورهای منطقه که
فعالیت بخش تعاونی با تشکیل تعاونی‌های
اعتباری آغاز گردید، تعاونی‌های اعتباری
روستائی کوچک و اتحادیه‌های تعاونی
اعتباری و پس انداز به صورت سازمانهایی
فعال وجود دارد. در این جوامع در ارتباط با
عملیات بانکی تعاونی، به نظر می‌رسد که
پیشرفت بیشتر و نظم بهتر به خاطر اعمال
مدیریت مالی مناسب و برنامه‌های افزایش
پس اندازها بوده است.

در عین حال به هنگامی که بخش
اعتبارات روستائی برای استقرار وابسته
به بخش بانکی بازرگانی باشند، ممکن است
به دلیل وجوه ناکافی در عملیات خود
ناموفق باشند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد
که قادر به جلب اعتماد لازم برای پس انداز
بیشتر اعضا نباشند چرا که به طور
معمول در جوامع کوچک روستائی مدیریت
تحقیقاً ضعیف می‌باشد و آنها تنها قادر به
انجام وظایف روزمره خود می‌باشند زیرا
در اغلب مواقع مدیریت به وسیله کارکنان
داوطلب در اوقات اضافی آنها انجام
می‌شود و هیچ گونه برنامه حمایت برای
تشویق این سازمانها جهت فعالیت پویا
وجود ندارد به گونه‌ای که حتی بخش‌های
دولتی در رابطه با توسعه تعاونی‌ها تمایل
به دادن اولویت کمتر به آنها در مقایسه با
بخش اعتباری کشاورزی دارند و برای
پرداخت اعتبار به آنها اغلب تحت عنوان
طرحهای دولتی و برنامه‌های یارانه‌ای عمل
می‌کنند!

به طور کلی هم در تعاونی اعتباری
کوچک و هم در نوع چند منظوره در
بسیاری از تعاونی‌ها حمایت تضمینی از
سپرده‌ها و وامها وجود ندارد. اگرچه برخی
از جنبش‌های تعاونی قادر بوده‌اند تا

- برای ایجاد اعتماد لازم در میان اعضا باید به این بخش پویایی بیشتری داده شود.
- تا یک سیستم تضمینی دو جانبه برای برقراری اعتماد لازم ایجاد شود.
- تا منابع لازم را برای در اختیار گذاردن وجوه بیشتری فراهم نماییم.

- مهارت‌های مدیریتی کافی و لازم را توسعه بدهیم تا در عملیات اعتباری و پس اندازها پویایی ایجاد شود.

- تا برنامه‌های جدید و نوینی برای جذب پس اندازها ارائه شود و پس اندازهای روستائیان جمع آوری شود.

- تا برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب اعطای وام ارائه گردد که اعضا را قادر سازد تمام نیازهای اعتباری خود را از یک منبع تأمین کنند.

- تا برنامه‌های بیمه‌ای را توسعه بخشیم و حمایت‌های لازم را برای زارعان و صیادان و دیگر اقشار جامعه در مواقع به وجود آمدن مشکلاتی مانند عدم موفقیت در باروری محصول و عدم دسترسی به صید مناسب ایجاد کنیم.

- تا بتدریج برنامه‌هایی را ارائه کنیم که از کاغذ بازی غیر ضروری که باعث تأخیر در امور می‌شود جلوگیری نماییم.

- تا از طریق تعاونی‌ها کمک‌هایی را برای برنامه‌ریزی و بودجه بندی خانوادگی کشاورزان و سایر اقشار در دسترس آنان قرار بدهیم.

- برنامه‌های بهتر و با معنی‌تری در ارتباطات بین اعضا ارائه بنمائیم.

- تا ساختارهای حمایتی را برای تعاونی‌های اعتباری با ایجاد «فدراسیون‌های منطقه‌ای و مرکزی» یا بانکهای تعاونی تقویت نماییم.

- تا ساختار حمایت بین‌المللی را تقویت نموده و تضمین‌ها و گمانناهایی را برای وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایجاد کنیم.

در عین حال تلاش‌ها و فعالیت‌های بسیار دیگری نیز لازم است و دولت‌ها باید برای این امور برنامه ریزی کنند.



در نظر بگیرند. در بخش تعاونی چنین برنامه‌هایی از سوی دولت برای وام‌ها هنوز برای امور فرهنگی در اختیار می‌باشند اما در بعضی جنبه‌ها این کمک‌ها شامل تأمین معاش خانواده زارع در زمان کشت محصول و یا حتی موارد احتمالی دیگر نمی‌شود به گونه‌ای که این مشکلات زارعان را مجبور به استقراض از چند منبع می‌کند تا نیازهای اعتباری خود را تأمین کنند و حتی گاهی اغلب آنان را مجبور می‌کند تا بازپرداخت وام تعاونی را تا آخر انجام ندهند!

در بسیاری از کشورهای منطقه تعاونی‌های پس انداز و اعتبار و تعاونی‌های چند منظوره خدمات با ارزش و قابل ملاحظه‌ای ارائه می‌دهند، بنابر این لازم است که اعضا هم از طریق تعاونی‌های چند منظوره و هم از طریق تعاونی‌های اعتباری کوچک با همکاری از خدمات آنها بهره‌مند باشند در عین حال ما باید این بخش را تشویق نموده و توسعه بدهیم، زیرا:

تضمین‌های محدود دولتی یا بانک مرکزی را حتی برای ایجاد یک «سیستم» تضمین اعتباری تعاونی» (به طور مثال اندونزی) کسب کنند، اما هنوز عملکرد به صورتی نیست که اعتماد آنها را جلب کند. در این زمینه کار زیادی می‌توان انجام داد که به بهتر شدن عملکرد تعاونی‌های اعتباری کمک نماید.

عامل دیگری که در نظر گرفته می‌شود رقابت روز افزونی است که تعاونی‌های اعتباری و تعاونی‌های چند منظوره با بانکهای بازرگانی در ارتباط با پس انداز، انجام امور مالی و پستی و ... روبرو هستند با این حال اخیراً فعالیت‌های خود را در این زمینه تشدید نموده و با مکانیزاسیون و رایانه‌ای نمودن خدمات، مشتری خدمات بهتری از مؤسسات بانکی بخش خصوصی در مقابل سیستم‌های قدیمی بوروکراتیک دریافت کنند.

عامل بعدی آن است که مؤسسات جدید برنامه‌های جدید اعتباری را علاوه بر برنامه‌های بیمه‌ای اعطاء می‌کنند و تمایل دارند که شرایط بهتری برای وام‌گیرندگان